

گاه‌شماری و سال‌شماری دیلمی

امین حسن‌پور

اشاره:

در نگارش این مقاله، تلاش شده است که از نتایج تحقیقات و آرای استادان و محققانی که درباره گاه‌شماری باستانی مردمان کوه‌نشین گیلان و مازندران دست به تحقیق و گزارش زده‌اند، جمع‌بندی به دست داده و مجموعه‌ای مدون و سازمان‌دهی شده زیر عنوان «گاه‌شماری و سال‌شماری دیلمی» آماده گردد که با رجوع به آن بتوان به پرسش‌های امروزی نسلی پاسخ داد که نگارنده نیز خود متعلق به آن می‌باشد. نسل جوانانی که حال به هر دلیل از ریشه‌های هویتی خویش دور مانده‌اند و سودای بازگشت به خویش را در سر دارند.

نگارنده، پیش از آن که جرات نگارش این مقاله و طراحی تقویم دیلمی را بیابد، منابع زیر را چندین و چندبار مطالعه نموده است: دامون (نشریه)، مدیرمسئول: پوراحمد جکتاجی.

فرهنگ گیل و دیلم (فارسی به گیلکی)، محمود پاینده لنگرودی.

گیلان‌نامه، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، جلد اول، مقاله: گاه‌شماری گالشی، محمدولی مظفری.

سومین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد اول، مقاله: واژه‌هایی از گاه‌شماری کهن دیلمی، عبدالرحمن عمادی.

تقویم گالشی، گیل‌وا، شماره ۲۲ و ۲۳، تیر و مرداد ۱۳۷۳، عبدالرحمن عمادی.

گاه‌شماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، نصراله هومند.

در ضمن، پس از گفت‌وگو با برخی از معمرین مناطق کوهستانی، در مرداد ماه ۱۳۸۵ شمسی گفت‌وگویی نیز با جناب عبدالرحمن عمادی، محقق و نویسنده مطالب بسیاری در باب گاه‌شماری دیلمی داشته‌ام، تا هرچه بیش‌تر از نقاط ضعف این مقاله و تقویم بکاهم. نوار این گفت‌وگو نیز نزد نگارنده محفوظ است. از تمام عزیزانی که این مقاله را مطالعه می‌کنند، خواهش می‌کنم که نقد آن را از یاد نبرند.

ایمیل نگارنده: varg_ir@yahoo.com

وب‌سایت: www.varg.ir

مقدمه و معرفی:

گاه‌شماری رایج، میان مردم دیلمان-گیلان^۱ از بن و ریشه وابسته به گاه‌شماری باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم) بوده است و سال‌شماری یزدگردی قدیم، بنابر روایات ایرانی و همچنین براساس محاسبات نجومی، کهن‌ترین سال‌شمار ایرانی محسوب می‌شود. گاه‌شماری باستانی دیلمی، از دوران کهن تا زمان انتخاب یک روز کیبسه با نام **ویشک** (vishak) و نگه داشتن آن، گاه‌شمار مورد استفاده مردم و حاکمان این منطقه بوده و سالی «گردان» محسوب می‌شد. یعنی آغاز سال آن که در ابتدای اعتدال بهاری قرار داشت، در هر ۴/۱۳۱۵۰۶۸ سال، یک روز از مبداء (اعتدال بهاری) فاصله می‌گرفت. این چرخش تا ۹۲۹ سال ادامه داشت و سر سال، ۲۲۵ روز از مبداء فاصله گرفت و به نیمه تابستان و زمان خرمن و برداشت فراورده‌های کشاورزی و دامی رسید. این هنگام مناسب‌ترین زمان برای پرداخت مالیات و خراج به حاکمان بود. از این روی با انتخاب یک روز کیبسه به نگاه‌داشت سال مبادرت ورزیدند و انجام این کار، نخستین تجربه و اقدام در انتخاب سال و مبداء خراجی در گاه‌شماری‌های ایرانی است.

با توجه به آن‌چه که گفته شد، مردم دیلمان، وقتی که سر سال (آغاز سال) باستانی به نیمه‌های تابستان رسیده بود، با انتخاب یک روز کیبسه در هر چهار سال با نام «ویشک» سال را در همان جا که بود نگاه داشتند. و زمان این اقدام، مبداء جدید سال‌شماری دیلمی گشت. که این مبداء دقیقاً برابر است با:

روز دوشنبه، هرمزد روز (اولین روز) از سال ۵۴۵۴ باستانی (یزدگردی قدیم) و ۷۱۰۸۲ روز پیش از مبداء شمسی هجری. (چگونه‌گی محاسبه و به دست آوردن دقیق این زمان را آقای هومند در کتاب گاه‌شماری باستانی مردم مازندران و گیلان نشان داده‌اند) جدولی که مشاهده می‌کنید، جدول هم‌زمانی گاه‌شماری‌های مختلف و مقایسه مبداء آغاز هر کدام از آن‌هاست.

آقای عبدالرحمان عمادی، محقق و نویسنده مقالات متعددی در باب گاه‌شماری، به ویژه سال‌شماری دیلمی، در گفت‌وگویی که با ایشان داشته‌ام خاطرنشان می‌سازند که در گذشته، در مناطق کوهستانی، تنها تقویم مورد استفاده مردمان آن‌جا، همین تقویم دیلمی یا گالشی بوده است و تنها برای دانستن زمان درست ایام مذهبی، از روحانیان منطقه سوال می‌شده است.

شمسی هجری	میلادی (ژولیوسی)	ایرانی (یزدگردی قدیم)	باستانی دیلمی (کبیسه دارد)
-5644	-5023	آغاز دوره	
-4137	-3516	1508	
-2630	-2009	3016	
-1123	-502	4524	
-621	مبداء میلادی	5027	
-195	426	پایان 5453 و آغاز 5454	مبداء باستانی دیلمی
مبداء شمسی هجری	19 مارس 622	28 آذر 5648 باستان ایرانی	194/616
	18 مارس 632	...	205/616
پایان 384	15 مارس 1006	...	578/616
آغاز 458	15 مارس 1079	...	651/616
پایان 1375	20 مارس 1996	...	1569/616
28 تیر 1376 هجری شمسی	18 ژوئن 1997 میلادی	...	چهارشنبه، 10 وَرْقَنَه ما سال 1570 دیلمی

مراسم آغاز سال جدید (نوروزبیل) به طور متغیر، وابسته به محل برگزاری و نحوه قرار دادن پنج روز کبیسه، بین سیزدهم تا هفدهم مرداد ماه برگزار می‌شد. اما طبق محاسبات علمی آقای نصرالله هومند در کتاب «گاهشماری باستانی مردمان گیلان و مازندران» روز دقیق آغاز سال دیلمی همان ۱۷ مرداد ماه سال هجری شمسی است.

درباره مبداء سالشماری دیلمی:

مبداء سال‌شماری دیلمی، تاریخی است که مردم دیلمان با انتخاب و اجرای یک روز کبیسه به نام ویشک (vishak) آغاز سال را در همان جایی که قرار داشت، ثابت نگاه داشتند.

نکته مثبت در این واقعیت این است که، مبداء تاریخی این مردم، نه یک رخداد سیاسی، یا مذهبی، که یک رخداد کاملاً علمی و البته مردمی است. زیرا آن‌گونه که گفته شد، دلیل اصلی‌اش، راحتی مردم کشاورز و دام‌دار و صنعت‌گر در دادن خراج و مالیات سالیانه بوده است. بنابراین، این مبداء، متعلق به اندیشه یا مذهب یا تفکر سیاسی خاصی نبوده و تنها بر پایه مناسبات تولید به وجود آمده و می‌تواند مورد وفاق تمام گیلکان، از هر اندیشه و مذهبی قرار گیرد.

شاید خرده‌گیران اشکال بگیرند که چرا آغاز سال دیلمی، از میانه تابستان است. در حالی که نوروز ایرانی در اعتدال بهاری واقع شده است. در پاسخ به این اشکال، دو پاسخ می‌توان داد. اول این‌که: آغاز سال درصد بسیار بالایی از مردم کره زمین یعنی مسیحیان، در سوز و سرمای زمستانی است. و این‌که آغاز سال در چه فصلی، باشد، در گیر هیچ قاعده‌ای نیست.

دوم هم آن‌که: نوروزی که در اعتدال بهاری (آغاز سال هجری شمسی) توسط تمام کشورهای منطقه نوروز (ایران، افغانستان، تاجیکستان، هند و...) جشن گرفته می‌شود، با نوروزبیل دیلمی که آغاز سال دیلمی است تفاوت داشته و این دو، دارای دو هویت متفاوت‌اند. اولی، جشن طبیعت و اعتدال بهاری و ریشه در اساطیر آریایی ایران دارد. و می‌تواند مبداء تحویل سال قرار گیرد یا نگیرد، چنان‌که در هند یا تاجیکستان یا ترکیه، مبداء سال، همان اول ژانویه است، نه نوروز. اما نوروز هم جشن گرفته شود.

و دومی، جشنی برای آغاز سال دیلمی است که ریشه در فرهنگ و باور کهن اقوام بومی منطقه و بعدتر، مناسبات تولیدی منطقه جنوبی دریای کاسپین دارد.

در تمام طول تاریخ مناطق گیلک‌نشین، کوه‌نشینان گیلک (گالش‌ها)، هم نوروز را جشن می‌گرفتند و هم در میانه تابستان، نوروزیل را برمی‌افروختند. و این نشان دهنده استقلال هویت این دو جشن از هم، در تفکر گیلک است.

تبدیل سال‌های مختلف به دیلمی:

با توجه به آن‌چه که گفته شد و جدولی که ارائه گشت، برای تبدیل سال هجری شمسی به دیلمی، کافی است که عدد ۱۹۵ و یا دقیق‌تر، عدد ۱۹۴/۶۱۶ را به سال هجری شمسی اضافه کنید. برای مثال، سال ۱۳۸۵ هجری شمسی، برابر است با ۱۵۸۰ دیلمی:

$$۱۳۸۵ + ۱۹۵ = ۱۵۸۰$$

و برای تبدیل سال میلادی به دیلمی، عدد ۴۲۶ را سال دیلمی کم کنید. که با توجه به این نکته، سال ۲۰۰۶ میلادی، برابر است با سال ۱۵۸۰ دیلمی:

$$۲۰۰۶ - ۴۲۶ = ۱۵۸۰$$

ماه‌ها و روزهای سال‌شماری دیلمی:

سال دیلمی، دوازده ماه ۳۰ روزه دارد به علاوه ۵ روز اضافه به نام پنجیک (panjik) که به پایان ماه هشتم اضافه می‌گردند که روی هم رفته سیصد و شصت و پنج روز است. و هر چهار سال یک‌بار، یک روز به عنوان کیسه به نام ویشک بر پنج روز پنجیک اضافه می‌گردد. این‌جا لازم است به نقل از آقای عمادی تذکر دهیم که در تمامی گاه‌شماری‌های ایرانی ما با ماه‌های سی روزه سر و کار داشتیم و ماه‌های سی و یک روزه که در سال‌شماری فعلی مورد استفاده در ایران وجود دارد، هرگز در گاه‌شماری‌های ایرانی سابقه نداشته و اختراع دوران پهلوی اول است.

برای اطلاع بیشتر از ماه‌ها و روزهای سال‌شماری دیلمی، در این‌جا به معرفی آن‌ها می‌پردازیم، با این تذکر که پسوند «ما» که در بیشتر اسامی ماه‌های دیلمی وجود دارد، به معنی «ماه» است:

(در مقایسه روزهای هجری شمسی با دیلمی، فرض بر سال‌های ۳۶۵ روزه است. در سال‌های با یک روز کیسه، از آن‌جایی که یک روز به اسفند ماه هجری شمسی اضافه می‌شود و یک روز به پنج‌روز پنجیک در پایان ماه هشتم دیلمی، مقایسه اندکی تفاوت خواهد کرد)

اول: نوروز ما noruzə mā

از ۱۷ مرداد شمسی هجری آغاز می‌شود و تا ۱۵ شهریور ادامه دارد. این ماه و روز اول آن، آغاز سال دیلمی است و در بزرگداشت آن شعله نوروزی (نوروز بل noruzə bal) می‌افروختند و جشن آغاز سال می‌گرفتند.

دوم: کورچ ما kurchə mā

از ۱۶ شهریور تا ۱۴ مهر ماه هجری شمسی می‌باشد. در این ماه، کوه‌نشینان کم‌کم از کوه‌ساران سربلند به سوی جلگه‌ها سرازیر می‌شوند.

سوم: اریه ما arye mā

از ۱۵ مهرماه تا ۱۴ آبان هجری شمسی.

چهارم: تیر ما tirə mā

از ۱۵ آبان تا ۱۴ آذر طول می‌کشد. صاحب فرهنگ اسدی، یکی از معانی تیر را فصل خزان نوشته است. شاید استعمال «تیر» و «تیرماه» در معنی فصل خزان، یادگار باقی‌مانده نوعی از گاه‌شماری قدیمی‌تر (پیش از مبداء سال‌های باستانی ایرانی) باشد که تحویل سال را از اول تابستان می‌گرفتند.

در روز سیزدهم از ماه تیر ما، جشن **تیرما سینزه** (سیزدهم تیرماه) برگزار می‌شود.

در این جشن، اعضای خانواده نیت می‌کنند و گوشوار، انگشتر، دکمه یا هر چیزی که می‌شناسند را در ظرف آبی که از پیش آماده شده می‌اندازند و دختر نابالغی در کوزه دست می‌کند و اشیاء را به طور تصادفی، یکی‌یکی بیرون آورده و به بقیه نشان می‌دهد و رباعی‌خوان، یک دوبیتی گیلکی (گیلکی) می‌خواند و بقیه گوش می‌دهند و صاحب آن چیز از محتوای دوبیتی درمی‌یابد که نیتش برآورده می‌شود یا نه.

رباعی‌خوان یا تبری‌خوان، برای گرم شدن مجلس و شادی بیشتر، ترانه‌ها و دوبیتی‌ها را با موقوم (muqöm) در مایه‌ای از موسیقی ایرانی می‌خواند. بیشتر رباعی‌ها و دوبیتی‌ها ترکیبی است از واژه‌های گیلکی تبری و گیلکی شرق گیلان است و آن‌ها را امیری می‌نامند و بیشترشان منسوب به امیرپازواری، شاعر گیلک‌سرای مازندرانی است.

پنجم: موردال ما *murdälə mä*

۱۵ آذر تا ۱۴ دی ماه هجری شمسی. کوه‌نشینان، لاشه گوسفند و گاو را مردال گویند. در موردال‌ما، اواخر پاییز به سبب بارنده‌گی، نوعی گیاه به نام *tijə* در کوهستان‌ها می‌روید که گوسفند با خوردن آن دچار مرگ و میر می‌شوند.

ششم: شریر ما *sharirə mä*

۱۵ دی تا ۱۴ بهمن هجری شمسی.

هفتم: امیر ما *amirə mä*

۱۵ بهمن تا ۱۴ اسفند. به معنی نمیرماه، یا جاودان یا مهرماه دیلمی است. شانزدهم این ماه، امیر مای هشت و هشت، یعنی ۱۶ مهرماه است که همان مهرگان معروف می‌باشد.

هشتم: آول ما *ävalə mä*

از ۱۵ اسفند تا ۱۵ فروردین هجری شمسی (چون اسفندماه در سال‌شماری هجری شمسی ۲۹ روزه است) طول می‌کشد. این ماه مقارن با اسفند و فروردین هجری شمسی است و در آن آیین کول‌کول چارشمبه (چهارشنبه‌سوری) اجرا می‌شود.

در پایان همین ماه، ۵ روز اضافه بر ۳۶۰ روز با نام پنجیک (*panjik*) جا می‌گیرد. هر چهار سال، یک روز به نام ویشک نیز به این پنج روز اضافه می‌گردد. اگر سال ۳۶۵ روزه باشد، روزهای پنجیک به ترتیب: شانزدهم، هفدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم فروردین هجری شمسی خواهد بود و اگر سال ۳۶۶ روزه باشد، پانزدهم فروردین ویشک نام می‌گیرد و روزهای شانزدهم تا بیستم، باز هم پنجیک خواهند بود. در قدیم، در روزهای پنجیک، جشن می‌گرفتند و شخم زدن زمین و خیس نمودن شلتوک و بذر افشاندن را درست نمی‌پنداشتند.

نوروز اعتدال بهاری (اول فروردین هجری شمسی) نیز در این ماه واقع شده است که در مناطق دیلمان-گیلان دارای هویتی به طور کامل جدا از نوروز دیلمی می‌باشد. و گیلکان نیز از دیرباز، هم‌گام با سایر اقوام، با خانه‌تکانی و خرید پوشاک نو و شیرینی و آجیل خود را آماده نوروز بهاری می‌کردند و هدایایی از قبیل پوشاک، کفش، شام و یا پول به مستمندان می‌دادند.

نهم: سیا ما *seyä mä*

از ۲۱ فروردین تا ۱۹ اردیبهشت هجری شمسی.

دهم: دیا ما *deyä mä*

از ۲۰ اردیبهشت تا ۱۸ خرداد ماه هجری شمسی.

یازدهم: ورڤنه ما *varfəna mä*

از ۱۹ خرداد تا ۱۷ تیر ماه هجری شمسی. ماهی که برف نمی‌آید، اوج گرما.

دوازدهم: اسفندار ما *esfandär mä*

۱۸ تیر تا ۱۶ مرداد ماه هجری شمسی.

گریزی به واژه‌گان گیلکی مربوط به گاه‌شماری

فصل‌ها در گیلکی:

وهار (vahär) یا بهار (bahär). / تاوَسُون (tävasön) / پئیز (paiz) / زِمسان (zemessän)، زمسُون (zemessön) یا زوموسُون (zumussön).

زمان‌های شبانه‌روز در گیلکی:

شبانه‌روز: شبنده‌روز (shabandə ruz) / شواروز (showä ruz)

صبح‌دم، صبح‌گاه: صوب (sub) / سواين‌سر (suväyn-sar)

پیش از ظهر: پیش‌چاشت (pish chäsht)

ظهر: چاشت (chäsht)

عصر: ورچاشت (var chäsht)

نزدیک غروب و هنگام فرونشستن خورشید: پس‌چم (pas chem) / مغرب‌دم (maghrib dam)

غروب: آفتو پر دچین (aftow par dachin) یعنی هنگامی که افتاب، چون پرنده، پرهایش (اشعه خود) را جمع می‌کند.

تاریک‌روشن غروب: چمالیم (chemä lim)

شبان‌گاه: شانه‌سر (shäne sar)

روز: روح (ruj)

شب: شو (show)

امروز: امرو (emru)

دیروز: دیرو (diru)

جهت‌های جغرافیایی در گیلکی:

شمال: کلسیا (kalseyä)

جنوب: نسا (nesä) / نسوم (nasum)

شرق: خوراسون (xuräson) / خورتاب (xurtäb) / آفتو ورس (aftow-varas) ورس یعنی برخیز. سویی که آفتاب برخیزد.

غرب: آفتو زردی (aftow zardi)

۱) در گذشته، به نواحی کوهستانی دیلمان می‌گفتند و مناطق دشتی و جلگه‌ای را گیلان می‌خواندند. و در زمانی نیز، به کل مناطق گیلان و غرب و مرکز مازندران و حتا نواحی جنوبی رشته‌کوه البرز، دیلمان گفته می‌شود و گرچه، گالش‌های کوه‌نشین، هنوز مناطق جلگه‌نشین را گیلان می‌نامند، امروزه به هردو مناطق کوهستانی و جلگه‌ای استان گیلان، گیلان گفته می‌شود.

ورگ، پایگاه ادبیات و فرهنگ گیلک

www.varg.ir